

## نقش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پیشگیری از براندازی نرم

### خسروحیبی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

### چکیده

«قدرت» در ساده‌ترین شکل آن یعنی تحمیل اراده بر دیگری؛ توان تحمیل اراده بر دیگری. جنگ نرم، جنگ سرد و جنگ نیمه‌سرد، نیاز به توان و قدرت دارد. کسی که می‌خواهد جنگ کند، باید توان و بنیه داشته باشد. امروزه با کوچک‌تر و پیچیده‌تر شدن جهان به واسطه رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره، معادلات گذشته در تنظیم روابط بین کشورها تا حدود زیادی به هم خورده و جای خود را به معادلات جدیدی داده است؛ به گونه‌ای که به جای به‌کارگیری مستقیم زور، توجه قدرت‌ها به استفاده از قدرت نرم و ایجاد تغییرات از طریق مسالمت‌آمیز با به‌کارگیری شیوه‌های نوین مداخله در امور داخلی کشورها جلب شده است.

علاوه بر این، در این دوران رسانه‌ها به مثابه ابزاری اساسی برای اعمال سیاست‌های قدرت‌های زورمدار به‌کار می‌روند و رقابتی جهانی در عرصه نبرد رسانه‌ای شکل گرفته است. در این میان جنگ نرم با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها، نقش مهمی را در سست نمودن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. دشمنان ملت ایران و به‌خصوص امریکا سعی دارند با ارائه تعریف جدیدی از تروریسم و آزادی‌خواهی و... جنگ نرم گسترده‌ای را علیه دیگر کشورها شکل دهند تا بتوانند حکومت‌ها را سرنگون یا مطیع خود سازند. در این مقاله که از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است، قدرت نرم کشورمان را در پیشگیری از براندازی نرم، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهیم.

### کلید واژه‌ها:

قدرت / قدرت نرم / جنگ نرم / جنگ روانی / براندازی.

### مقدمه

در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، آغاز دوره گذار از موج دوم تمدنی به «عصر اطلاعات» را در جهان توسعه یافته و گسترش مناسبات عقلانی را در جهان درحال توسعه نوید می‌داد و پایان عصر ایدئولوژی در «دهکده جهانی» به‌عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام می‌شد، به ناگاه به‌دنبال یک سلسله تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انقلابی شکوهمند در ایران به وقوع پیوست که جهانیان را به‌دلیل اتکا به قدرت نرم‌افزاری، به شگفتی واداشت؛ چرا که با پیروزی این حرکت عظیم انقلابی، قدرت دینی و معنوی نقشی تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های جهانی یافت و ارزش‌های دینی و معنوی و فرهنگی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات و روابط بین‌الملل و نیز تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار شد.

امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و درعین‌حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور، تهدید از نوع نرم است. چرا که وقتی فکر، احساسات، اندیشه و باورها و عزم و اراده و روح مقاومت ملی خدشه دار شود، شرایط برای حکومت حاکم در مقابل دشمن سنگین خواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲).

جنگ نرم در برابر جنگ سخت، در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده‌شدن آتش رقیب را به جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، اینترنتی، براندازی نرم، انفعال یا شکست وا می‌دارد. راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی، از اشکال

جنگ نرم هستند. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند.

جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی می‌باشد. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی استفاده می‌شود و در علوم سیاسی می‌توان به واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد.

جنگ نرم به‌وسیله کمیته خطر جاری در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ طراحی شد. کمیته خطر جاری در اوج جنگ سرد و در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و مدیران سابقه‌دار سازمان سیا و پنتاگون تأسیس شد.

در آن مقطع و در پی اصلاحات گورباچف مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و تغییر در قوانین اقتصادی (پروسترویکا) این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت و رودرو با اتحاد جماهیر شوروی، تنها راه به زانو درآوردن بلوک شرق را جنگ نرم و فروپاشی از درون معرفی کرد. سیاستگذاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند؛ و بعد از آن به بهانه‌های مختلف در دیگر کشورها از جمله کشور ما درصدد برآمدند با طراحی اجرای توطئه‌های گوناگون و راه‌اندازی جنگ‌های سخت و نیمه سخت به‌ویژه جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، کودتاهای مختلف، ترور شخصیت‌های مهم کشور، جنگ‌های داخلی و... انقلاب اسلامی را وادار به تسلیم کنند که با پایداری و استقامت جوانمردانه ملت ایران مغلوب شدند و سنگینی این شکست استکبار را وادار کرد با تغییر راهبرد در جبهه فرهنگی و فکری، ناکامی خود را التیام بخشد که از این‌رو تهاجم فرهنگی و به تعبیر امروز جنگ نرم را آغاز کردند.

## الف. کلیات

### ۱/الف. بیان مسئله

جنگ نرم، مقوله پیچیده و کاملاً تخصصی است، تا آنجا که برخی جامعه‌شناسان برای مقابله با آن صرفاً روش‌های مشابه نرم را پیشنهاد می‌کنند. به‌عبارتی دیگر، انقلاب اسلامی ایران باید با هدفگذاری دقیق، برنامه جامع و اعتبار مورد نیاز و فعالیت هماهنگ نرم که نتیجه آن تولید بیشتر اطلاعات هدفمند برای مردم خواهد بود، به جنگ نرم غرب برود. بنابراین در اتخاذ استراتژی جنگ نرم علیه جنگ نرم، برخورداری از یک ستاد مشترک و فرماندهی واحد در این زمینه، امری ضروری به‌نظر می‌رسد و در آن دستگاه‌هایی همچون صدا و سیما، وزارت ارشاد، مطبوعات و خبرگزاری‌ها و سایر نهادها تحت یک برنامه مشخص و فرماندهی واحد در مقابله با جنگ نرم غرب علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت‌های خود را سازماندهی نمایند. فرهنگ پویا و استوار ایران که قرن‌های متمادی در معرض تجاوزها و یورش‌های وحشیانه بیگانگان بوده است، با ظهور و حضور اسلام در ایران پیوند ابدی یافت تا بتواند در طول تاریخ همچون دو بازوی استوار و توانمند، بسان سپری قوی در برابر هر گونه تجاوز و زیاده‌خواهی بیگانگان در دست‌اندازی به خاک این مرز و بوم ایستادگی نمایند.

ایرانیان تاکنون ثابت نموده‌اند با تکیه به اعتقادات دینی و مذهبی و ولایی خود که در کنار فرهنگ و هویت ریشه‌دار ایرانی شکل گرفته است، با وحدت و انسجام ملی می‌توانند با استفاده از ادبیات غنی و پایدار، یک جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم را ایجاد نموده که در صورت استمرار و حمایت، در آینده به یکی از منابع قدرت نرم در سطح منطقه و حتی دنیا تبدیل خواهد شد. طلوع این جنبش نرم‌افزاری و قدرت نرم را باید در پیشرفت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای با بهره‌گیری از علوم بومی، حضور در باشگاه‌های جهانی پرتاب ماهواره و دستیابی به علوم نانو تکنولوژی و ژنتیکی و هزاران دستاورد علمی و فنی و نظامی به‌خوبی مشاهده نمود؛ و اگر گفته شود دلیل اصلی خصومت غرب

به خصوص امریکا با ایران و انقلاب اسلامی آن، هراس استکبار از ظهور ابرقدرتی جدید به نام ایران است؛ که با تکیه بر اسلام ناب محمدی (ص) و مبانی آن توانسته در مقابل تمامی زورگویی‌ها و سلطه‌طلبی‌های قلدرهای جهانی بایستد، حال مسئله این است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با قدرت نرم در پیشگیری از براندازی نرم نقش‌آفرینی می‌نماید.

## ۲/الف. اهمیت و ضرورت تحقیق

امنیت ملی هر کشور یا ارزش‌های حیاتی یک کشور، دارای سه محور کلی است:

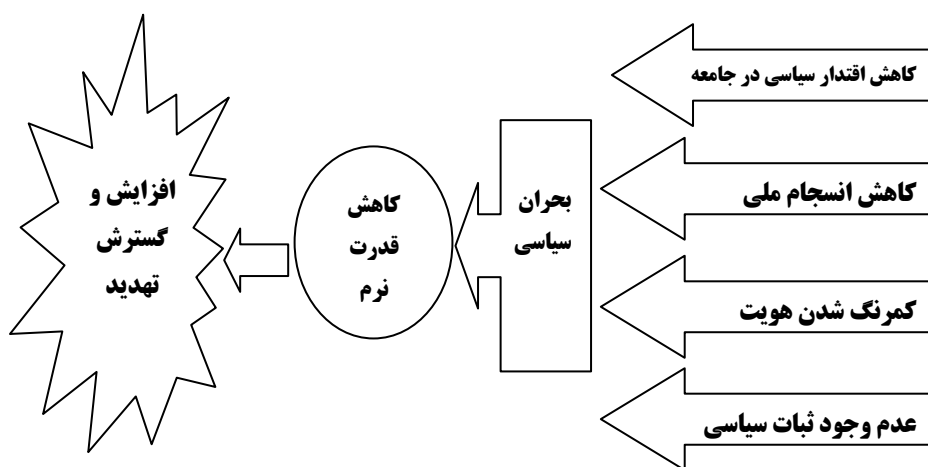
- تمامیت ارضی؛
- ایده و الگوهای رفتاری؛
- حاکمیت سیاسی (معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۹: ۹۰).

ایران اسلامی امروزه به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل، به قدرتی کم‌نظیر تبدیل شده که از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ سخت، آن را سرنگون کرد؛ بلکه تنها راه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و به‌کارگیری تکنیک‌های عملیات روانی با استفاده از سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی است.

راه‌اندازی پروژه جنگ نرم علیه ایران در مقطع کنونی را باید ناشی از گسترش حس تنفر از امریکا در جهان دانست که به‌نظر سران کاخ سفید، ایران مرکز اصلی ایجاد این تنفر و گسترش آن است. از این‌رو قدرت‌های استکباری با به‌کارگیری عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند یا برای سرعت بخشیدن در رسیدن به هدف‌های عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی، از سلاح عملیات روانی به‌منظور سلب اراده و انگیزه نبرد در نخبگان کشور مدنظر و مردم و

نیروهای مسلح آن بهره می‌گیرند و بدین ترتیب در عمل خاکریزهای دفاعی یک کشور بدون خونریزی، سقوط می‌کند.

فهمی‌راد در مدل زیر عواملی را که باعث ایجاد بحران سیاسی در کشور و در نتیجه کاهش قدرت نرم می‌گردد، این چنین ترسیم کرده است (فهمی‌راد، ۱۳۸۸: ۶۷):



حال باتوجه به اهمیت قدرت نرم در انقلاب اسلامی در سطوح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، شایسته است در این مقاله ابعاد تأثیرگذاری اقتناعی و ایجابی انقلاب اسلامی در سه عرصه فوق‌الذکر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا ضمن تبیین و تشریح ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی، مشخص گردد که رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی موجب گردید که این انقلاب بتواند حرکتی مستمر، تدریجی و برنامه‌ریزی شده با استفاده از ذوق و سلیقه و هنر را ساماندهی کند؛ به‌گونه‌ای که توجه افکار عمومی و نخبگان و ملت‌ها را به تفکر و مبانی خود جذب نماید.

### ۳/الف. هدف‌های تحقیق

هدف اصلی: تبیین نقش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پیشگیری از براندازی نرم.

هدف‌های فرعی:

۱. تبیین نقش قدرت نرم داخلی نظام ج.ا.ا. در پیشگیری از براندازی نرم؛
۲. تبیین نقش قدرت نرم منطقه‌ای نظام ج.ا.ا. در پیشگیری از براندازی نرم؛
۳. تبیین نقش قدرت نرم بین‌المللی نظام ج.ا.ا. در پیشگیری از براندازی نرم.

#### ۴/الف. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی: جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از قدرت نرم در پیشگیری از براندازی نرم نقش‌آفرینی نماید؟

سؤال‌های فرعی:

۱. جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از قدرت نرم داخلی در پیشگیری از براندازی نرم نقش‌آفرینی نماید؟
۲. جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از قدرت نرم منطقه‌ای در پیشگیری از براندازی نرم نقش‌آفرینی نماید؟
۳. جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از قدرت نرم بین‌المللی در پیشگیری از براندازی نرم نقش‌آفرینی نماید؟

### ب. ادبیات نظری

#### ۱/ب. تعاریف و اصطلاحات

• قدرت

امکان تحمیل خواست و اراده به دیگران.

• قدرت نرم

بر «جاذبه» متکی است. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علایق دیگران و هدایت رفتار آنان، بدون بهره‌گیری از زور.

### • عملیات روانی

عملیات روانی مجموعه اقدامات تبلیغی روانی است که یک کشور یا گروهی برای اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و شهروندان در جهت مطلوب خود به پشتیبانی ابزارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی اجرا می‌کنند (سیلان اردستانی، ۱۳۸۳: ۲۹).

### • جنگ نرم

جنگ نرم، نفوذ در مختصات فکری دشمن با استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای پیشبرد مقاصد امنیت ملی است (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷). جنگ نرم در برابر جنگ سخت در واقع هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال و شکست وا می‌دارد (انصاری، ۱۳۸۶).

جنگ نرم در مفهوم نوین آن با ویژگی‌هایی از جمله نرم‌افزار گرایی، ذهنیت‌سازی، تهی‌سازی از درون، تغییر هویت فرهنگی، تغییر الگوهای رفتاری همراه با الگوسازی رفتاری، ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، زمینه‌سازی برای ایجاد بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بهره‌گیری از بحران‌های پنج‌گانه سیاسی: هیئت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع را شامل می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۰: ۹).

جنگ نرم در فرهنگ سیاسی به معنای فروپاشی از درون و در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد (راسخی، ۱۳۹۰: ۵۳).

از هدف‌های جنگ نرم در حوزه فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملت‌هاست تا با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی برای فرهنگ‌سازی جهانی، خواسته‌های خود را در تمام

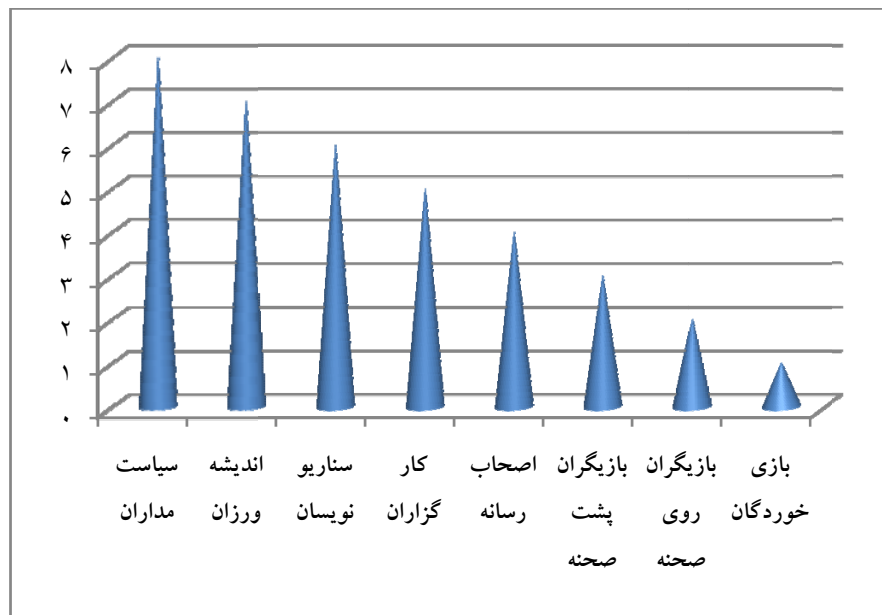


ابعاد تأمین کنند و در عمل اداره کشورها و به تعبیر صحیح‌تر، اداره امور جهان را به دست گیرند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۱۰).

جنگ نرم در پی ازپای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی، نظام سیاسی اجتماعی حاکم را متزلزل و بی‌ثبات کند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۶: ۵۷).

## ۲/ب. مجریان جنگ نرم

سلسله مراتب مجریان جنگ نرم، به ترتیب ایفای نقش عبارت‌اند از:



## ۳/ب. گونه‌شناسی جنگ نرم

### ۱. از نظر قرآن کریم

آموزه‌های قرآنی به جنگ نرم در حوزه دشمن‌شناسی و مقابله با دشمن، توجه داشته است. براساس آیات ۳۹ و ۴۰ سوره حجر، اولین پایه‌گذار جنگ نرم، شیطان است. آنجا

که می‌گوید پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من (هم گناهانشان را) وزین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت (حجر، ۴۰-۳۹).

آیات بسیاری از قرآن به این مسئله از دو زاویه دید مختلف نگریسته است؛ به این معنا که اگر دشمن برخی از سازوکارهای جنگ روانی را در جنگ نرم به کار می‌گیرد، جامعه اسلامی نیز در دفاع و مقابله با دشمن می‌بایست از همه امکانات بهره گیرد و در جنگ نرم، به حکم مقابله به مثل عمل نماید (بقره، ۱۹۴).

#### ۲. از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، شایعه‌پراکنی، با ابزارهای پیشرفته که امروز وجود دارد؛ ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل، پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروزه گسترش پیدا کرده... جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و فرهنگ مردم (۱۳۸۸/۹/۴).

#### ۳. از نظر جین شارپ (مغز متفکر براندازی نرم و نظریه پرداز)

هدف جنگ نرم، تغییر دولت‌های نامطلوب یا فروپاشی حکومت‌ها و کسب قدرت سیاسی است و با صلح‌طلبی، اعتقادات اخلاقی و مذهبی مرتبط نیست. جنگ نرم گزینه جایگزین سخت و نظامی برای رویارویی با حکومت‌های مدنظر است (معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۹: ۹۱).

#### ۴. از نظر فولر (مورخ و تحلیلگر نظامی بریتانیا)

وی اولین کسی است که اصطلاح جنگ روانی را در سال ۱۹۲۰ به کاربرد؛ هرچند که اقدامات نهفته در دل این اصطلاح، سابقه‌ای باستانی دارد. فولر در بحث پیرامون نتایجی که می‌توان از پیشرفت‌های تکنولوژی نظامی در جنگ جهانی اول گرفت، ادعا می‌کند که وسایل سنتی جنگ ممکن است جای خود را به جنگ روانی به معنی واقعی کلمه بدهد که در آن از سلاح استفاده نمی‌شود و به جای آن، اقداماتی نظیر زایل کردن خرد انسانی، مغشوش کردن هوش انسانی و مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی یک ملت، به وسیله نفوذ در اراده آن‌ها انجام می‌شود. در آن زمان، استفاده فولر از واژه جنگ روانی در محافل

نظامی و علمی بریتانیا و امریکا، توجه چندانی را به خود جلب نکرد. در ژانویه ۱۹۴۰ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «جنگ روانی و چگونگی به راه اندازی آن» این اصطلاح برای اولین بار وارد ادبیات امریکا شد» (داقرتی، ۱۳۷۷: ۱۳).

#### ۵. از نظر آیزنهاور

سرانجام جنگ روانی این معنی را یافت: «نزاعی برای دستیابی به افکار مردم و اراده آنها». این معنی را آیزنهاور هنگام سخنرانی مشهور خود در مبارزه انتخاباتی‌اش در اکتبر ۱۹۵۲ در سانفرانسیسکو بیان کرد و چنین توضیح داد: «لازم است که ما سیاست خارجی خود را به گونه‌ای شکل دهیم که با استراتژی واحد و منسجم جنگ سرد هماهنگ باشد... لازم است که در این جنگ سرد و در ضمیر و عزم خویش، جویای فرصتی باشیم که بدون خسارت‌های جانی، ما را به پیروزی رساند و در نبرد برای حفظ صلح پیروز گرداند» (نصر، ۱۳۸۰: ۹۱-۸۱).

#### ۶. از نظر جوزف نای

وی در سال ۲۰۰۴ با انتشار کتابی تحت عنوان قدرت نرم، ابزاری برای موفقیت مدیران در سیاست جهان، گام مهمی در تبیین مفهوم جنگ نرم ارائه کرد. از نظر نای قدرت نرم، توان یک کشور برای دستیابی به هدف‌هایش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد. زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است (جوزف نای، ۱۳۸۷: ۲۸۸).

#### ۴/ب. تاکتیک‌های جنگ نرم:

۱. تاکتیک تخریب پیام: برای اینکه شرایط مطلوب خویش را در میدان منازعه تدارک ببینند مانند شایعه، کلی‌گویی، سانسور، مبالغه، مغالطه و... (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۳۶)؛
۲. تاکتیک تخریب اعتماد عمومی: مانند برچسب زدن، انسانیت‌زدایی، ترور شخصیت (قربانی گلشن‌آبادی، ۱۳۸۸)؛

۳. تاکتیک تخریب امنیت ملی: مانند ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز (اخبار و آمارهای آلوده به دروغ ارائه دادن و فاجعه‌آمیز خواندن آینده کشور)، توسل به ترس و ایجاد رعب برای تضعیف روحیه افراد، ایجاد تفرقه و نفاق به منظور گسست بین مردم و نظام حاکم و کاهش مقبولیت رژیم (شیرازی، ۱۳۷۶).

۴. تاکتیک تخریب ارزش‌ها و عادات اجتماعی: استفاده از جاذبه‌های جنسی، تملطیف و تنویر (موضوع‌ها را برای پذیرش، به ویژگی‌های لطیف و جذاب، توصیف می‌کنند) مثل حقوق بشر؛

۵. تکرار و تغییر عادات: با تکرار پیام مقصودی معین، در ذهن مخاطب حک می‌کنند (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۷).

در ادامه به تجزیه و تحلیل نقش‌آفرینی قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود و راهکارهایی برای ارتقای جایگاه و نقش قدرت نرم در پیشگیری از براندازی نرم ارائه می‌گردد.

#### ۵/ب. ابعاد قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی ایران

قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح تحلیل داخلی دارای اهمیت قابل توجهی بود، بلکه در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز پیام جذاب انقلاب اسلامی توانست راهگشای ملت‌های مسلمان و نیز ملل جهان سوم و مستضعف گردد و ضمن احیای هویت جهان اسلام و ارتقای بیداری اسلامی، به بازسازی تمدن اسلامی براساس تکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی اهتمام ورزد.

#### ۱. در سطح تحلیل داخلی

بر اساس زیرساخت‌ها و الزامات فکری و فرهنگی سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه و تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی و اخلاقی که حوزه‌های فردی و اجتماعی و همچنین برجسته‌سازی مستمر و همه‌جانبه اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) در حوزه‌های تصمیم‌سازی و

تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرایی دستگاه‌های نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی و اصلاح نوسازی نظام آموزشی و تعلیم و تربیت کشور و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویت‌های نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد.

افزون بر این می‌توان به ابعادی از قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری فرهمند امام خمینی، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی‌محور، جنبش نرم‌افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد.

• ولایت فقیه

نقش ولی فقیه را می‌توان در ارائه ارزش‌هایی دانست که مردم را به پیروی بی‌چون و چرا از فرامین ایشان با توجه به جذابیت محتوای آن و باور قلبی مردم به اعتقاد امام به گفته‌های خویش و ابتدای آن بر آموزه‌های فقهی و اسلامی متقاعد می‌ساخت. چنین رهبران سیاسی که برخوردار از جذابیت، مشروعیت و اعتبار باشند، می‌توانند به جذب و ترغیب افراد به تحقق خواسته‌های انقلاب بیانجامد.

• وحدت و اعتماد ملی

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از اعتماد ملی به‌عنوان سرمایه اجتماعی توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه اقشار و گروه‌ها و دستجات ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ استقلالی، بسیجی، سازندگی، اصلاح‌طلبی و عدالت‌خواهی را در جامعه گسترش بخشد.

مشارکت سازنده و کارآمد مردم، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، آگاهی، انگیزه و غرور ملی، حفظ ارزش‌های دینی و استقلالی در جهت سرافرازی کشور، شادابی و نشاط عمومی، پاسخگو بودن حکومت در برابر مردم، رواج و تقویت فرهنگ نشاط و امید، تقویت خودیاری و اتکای به نفس، قانون‌گرایی، اعتلای فرهنگ عمومی، تقویت روحیه اعتماد به نفس جوانان و گسترش فضای محبت، مودت و همبستگی در جامعه، همگی سرمایه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند که کیفیت وحدت عمومی را ارتقا می‌بخشد.

• توسعه دانایی محور

انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام هم‌زمان به توسعه چند بعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و اجتماعی علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم آورد. این مهم ناشی از توجه به فرهنگ به‌عنوان حوزه مستقل و با لذات مطلوب و بهره‌گیری نرم‌افزاری از دین به‌عنوان نظام معانی و نمادسازی بود.

انقلاب اسلامی رویکرد توسعه دانایی‌محور را برای تبدیل کشور به جامعه‌ای دانش‌بنیان اتخاذ کرد تا علم و اندیشه، مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده‌های علمی با خود اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا کند. نواندیشی در دو نهاد حوزه و دانشگاه را تشویق کرد تا این دو سرمایه گرانسنگ توانمندی‌های معنوی و مادی کشور را متبلور سازند و زیرساخت‌های علمی را تحول بخشند.

بدین ترتیب، انقلاب اسلامی دانشگاه خوداندیش، مستقل و دارای اعتماد به نفس و قدرت تولید فکر و علم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متصل به دل‌بستگی‌ها و عشق و جاذبه‌های موجود میان مردم را جایگاهی برای عزت و آبرو و اقتدار جهانی نظام قرار داد و با تحریض ابتکار و خلاقیت هم‌زمان با توجه دانشگاه به فرهنگ و ایمان و باورهای عمومی و دل‌بستگی‌های مردمی، نظام تعلیم و تربیت کشور را در جهت کیفی‌سازی سرمایه‌های انسانی و استقلال فنی و قدرت نرم‌افزاری کشور بسیج کرد.

• جنبش نرم‌افزاری

انقلاب اسلامی ایران توجه به نوآوری و نواندیشی را در صدر اولویت‌های خود قرار داد؛ به گونه‌ای که رهبر فرزانه انقلاب خواستار تحقق جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و فراگیر شدند. این حرکت و نهضت مبتنی بر مؤلفه‌های زیر بود:

اهتمام به تولید علم و بومی‌کردن آن بر مبنای فرهنگ ملی و ارتقای توسعه انسانی، گسترش و اعتلای جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی براساس اصول و ارزش‌های ایران اسلامی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و اعتلای

فعالیت‌های تحقیقاتی پیرامون نوآوری و دستیابی به فناوری‌های نوین، برپایی نهضت تئوری‌پردازی و نظریه‌سازی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، نوآوری در دانش موجود بشری برای تولید علم در حوزه‌های مورد نیاز، آموزش خلاقیت و نوآوری به جوانان و تشویق نخبگان به توسعه فعالیت‌های علمی روزآمد و مبتکرانه، ظرفیت‌سازی، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و افزایش شاخص‌های مشارکت در تولید علم و فناوری به‌ویژه توجه فزاینده به موفقیت نخبگان ایران در المپیادهای علمی جهان.

• سیاست فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با هدف نشر و گسترش اندیشه و پیام اسلام، استقلال فرهنگ، تکامل روحی و اخلاقی، تحقق کامل فرهنگ اسلامی در عین اهتمام به درک مقتضیات زمان، اولویت خود را بر برنامه‌ریزی و اصلاح فرهنگ جامعه و نهادینه‌کردن آن مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی قرارداد و سیاست فرهنگی برگرفته از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی براساس احترام به کرامت انسانی، سرشت معنوی بشر، خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌طلبی، استقلال‌گرایی، آزادی‌خواهی، عزت‌نفس و قدرت ایمان را محور فعالیت‌های خود قرار داد.

## ۲. در سطح تحلیل منطقه‌ای

در زمره ابعاد قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای می‌توان به مواردی از جمله بازسازی تمدن اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم اشاره کرد که ذیلاً به تجزیه و تحلیل این جنبه‌ها پرداخته می‌شود:

• بازسازی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با اعطای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن ارتباطی برای انتقال پیام نواندیشی دینی در جهان اسلام توانست رویکرد تمدنی خود را به منصفه ظهور رساند.

همچنین از رهگذر احیای ارزش‌هایی چون عدالت‌محوری و عدالت‌گستری، توسعه و تعالی همه‌جانبه و درون‌زا، توسعه عدالت‌محور، کرامت انسانی و آزادی‌های مشروع، صلح‌طلبی، عزت‌نفس، استقلال‌گرایی، توسعه اخلاق و دین‌مداری، هنجارسازی، شکوفایی حس خداجویی، حقیقت‌طلبی، علم دوستی و نوع‌دوستی و تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی مجدد تمدن اسلامی را در راستای تمدن‌سازی نوین فراهم آورد.

بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی در جهان اسلام، توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با از بین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه، به بازسازی تمدن اسلامی مبادرت کند.

#### • ارتقای بیداری اسلامی

درخشش خورشید انقلاب اسلامی موجب شد بارقه‌های امید در جهان اسلام پدیدار شده و امید به حاکمیت آرمان‌های اسلامی و اصول و عقاید دینی مبتنی بر فطرت پاک انسانی از جمله حق‌جویی، استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم دوچندان گردد. انقلاب اسلامی توانست با ارتقای آگاهی و بیداری گسترده در بین مردم مسلمان، محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهامت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه ایجاد کند و با ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و تشویق لزوم شناخت فزون‌تر نسبت به تجربه تاریخی و عملی جنبش آزادی‌بخش، جرئت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه براساس اندیشه‌های انقلابی اسلام فزونی بخشد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران موجب شد مردمی که از عظمت قدرت خود بی‌اطلاع بودند، با برداشتی نوین از اسلام راستین و ناب به حرکت درآیند و درصدد برآیند که با ایجاد دگرگونی سیاسی، حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی را بنا نهند. پیام امام خمینی به‌عنوان پیامی فراگیر و وحدت‌بخش در جهان اسلام توانست ضمن ایجاد روحیه اعتماد



به نفس و خودباوری و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، به مسلمانان عزت بخشید و نشان دهد که می‌توان با توجه به جایگاه مباحث معنوی، ارزشی و اعتقادی در جوامع اسلامی و با تکیه بر روحیه ایثار و مبارزه در میان امت اسلام به بسط ایدئولوژیک «نه شرقی، نه غربی» و گسترش ارزش‌های اسلامی مبادرت ورزید. این مهم موجب گردید اهمیت قدرت اعتقادی برای ارتقای نقش‌آفرینی مسلمانان مضاعف گردد. اسلام‌گرایی از نقش محوری در مبارزات آزادی‌خواهان مسلمان برخوردار شود، اسلام در مبارزات انقلابی تمرکز و محوریت یابد، اسلام به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل احیاکننده روح و تضمین‌کننده سعادت انسان‌ها معرفی شود و سرانجام تأثیرگذاری معنوی بر نهضت‌های اسلامی و مردمی، موجبات گسترش بیداری اسلامی را در سراسر جهان اسلام فراهم سازد.

#### • محوریت ثبات منطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران با ایفای نقش سازنده در زمینه بازتولید منافع مشترک منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حمایت از روند ثبات منطقه‌ای براساس امنیت دسته‌جمعی، تبیین الگوی توسعه همه‌جانبه و درون‌زا، بیداری اسلامی و احیای تفکر و ارزش‌های دینی، جایگاه محوری در کمربند طلایی ایران سوریه لبنان در منطقه، الهام‌بخشی در خاورمیانه براساس الگوی مردم‌سالاری دینی، تبیین مدل بومی اصلاحات درون‌زا در نظام‌های خاورمیانه، بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تبیین پیام عدالت، صلح و عزت، پیروی از الگوی تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای اسلامی، اتخاذ دیپلماسی فعال و مؤثر در سیاست خارجی براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، عضویت فعال و اثرگذار در سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در جهت ارتقای نقش دین در عرصه تصمیم‌سازی، تقویت راهبرد چندجانبه‌گرایی و نفی سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه امریکا در منطقه، تلاش در جهت اعتمادسازی منطقه‌ای براساس گسترش همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای بین ملت‌های مسلمان، تقویت تشکل‌های غیردولتی برای همکاری با کشورهای اسلامی در جهت حفظ

اصول و ارزش‌های اسلامی و یا تقویت همکاری‌های نرم‌افزاری، سرمایه‌گذاری در دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از قدرت نرم‌افزاری در مدیریت افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی، اعتباربخشی به فرایند اطلاع‌رسانی، خنثی‌سازی جنگ روانی دشمنان در منطقه، تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش تمدنی، انتقال پیام از طریق وسایل ارتباط جمعی سستی و مدرن، تصویرسازی و هنجارسازی ارزشی، تقویت جایگاه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و جهانی، گسترش همکاری‌های سازنده، مؤثر و چندجانبه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای براساس «منطقه‌گرایی نوین» و ارتقای سطح آگاهی و بیداری ملت‌های منطقه، توانست به اتخاذ تمهیداتی خلاق و سازنده برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و یا خلق فرصت‌های نوین مبادرت ورزد و نشان دهد که در عصر اطلاعات، توجه به قدرت نرم نه تنها موجب افزایش توانایی برای همکاری می‌شود؛ بلکه موجب افزایش تمایل دیگران به حرکت در این مسیر و مآلاً تحقق ثبات منطقه‌ای می‌گردد.

در واقع، تعامل مؤثر و سازنده انقلاب اسلامی با دیگر ملت‌های جهان موجب شد وجوه و رویکردهای مشترک توسعه یابد، توان انقلاب برای مقابله با چالش‌ها فزون‌تر گردد و جذابیت پیام انقلاب موج جدیدی را در ملت‌های بیدار و آگاه منطقه ایجاد نماید. در این رهگذر، اهتمام انقلاب اسلامی به یافتن مشترکات بشری دینداران و افزایش آگاهی آنان در زمینه گسترش ارتباطات منطقه‌ای و اعتلای ارزش‌های مشترک اخلاقی و تقویت همکاری علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای مسلمان، تبیین اندیشه «ائتلاف برای صلح» به جای «اتحاد برای جنگ»، سرعت و عمق‌بخشی به جریان تولید اندیشه اسلامی و تأکید بر توسعه همراه با عدالت، توانست قابلیت‌های نرم‌افزاری فرهنگ غنی اسلامی را برای مدیریت تحول در عصر جهانی شدن ارتقا بخشد.

#### • جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به‌ویژه در فلسطین، از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین

اینکه «اسلام راه حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد.

اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی، شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان از عمق توجه ایران اسلامی به مسئله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت. در واقع، با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به‌عنوان اصول اساسی جهاد از سوی گروه‌های اصولگرای اسلامی و تأکید آنان بر شهادت، فداکاری و سلحشوری در راه هدف، انقلاب اسلامی توانست نقش خود را در جهانی‌کردن مسئله فلسطین و تعمیق مبارزات آزادی‌بخش اسلامی در فلسطین، مبارزه با صهیونیسم را ابعادی جهانی بخشد و نقش خود را در گسترش بعد مبارزاتی جهان اسلام با رژیم صهیونیستی به منصفه ظهور رساند.

### ۳. در سطح تحلیل بین‌الملل

شرایط بروز قدرت نرم طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی تغییر یافته است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن، جهان را دستخوش تغییرات بنیادین ساخته و موجب شکل‌گیری جوامع و شبکه‌های مجازی شده که مرزهای کشورها را درهم نوردیده و همکاری‌های فراملی و عاملان غیرحکومتی را گسترش بخشیده است. قدرت نرم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی موجب جلب و جذب شهروندان برای ایجاد ائتلاف‌های بین‌ملتی شده است.

توانایی سهم‌بندی اطلاعات به منبعی مهم در جذب قدرت تبدیل شده است. در این رهگذر، استفاده از کانال‌های چندگانه ارتباطی، برخورداری از سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی در جهان چندفرهنگی امروز و اعتباری که با ارزش‌ها و سیاست‌ها با توجه به اهمیت گزینه‌ها و انتخاب‌ها افزایش می‌یابد، می‌تواند قدرت یک بازیگر را ارتقا بخشد. منابع قدرت نرم توانسته‌اند از طریق غیرمستقیم به صورت شکل‌دهی به محیط پیرامونی به صورت نرم، آرام و پراکنده، بازیگران را در اجرای سیاست یاری دهند. در این رهگذر،

قدرت اطلاعات و بازپروری و پردازش داده‌ها باتوجه به حجم و انبوه و گستردگی اطلاعات، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

باتوجه به اهمیت شبکه‌ها و رسانه‌ها به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده سیاست‌های بازیگران و گسترش‌دهنده به دیپلماسی عمومی، بازیگران روابط بین‌الملل اتخاذ رویکرد فعال، مبتکرانه و انتخاب‌گر را در فرایند جهانی‌شدن در دستور کار خود قرار داده‌اند.

در این میان، انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر قاعده‌مندی‌ها و جریان‌های بین‌المللی، تأکید بر عدالت‌گرایی و نفی تبعیض، انسانی‌تر کردن، منصفانه‌کردن و عادلانه‌کردن فضای جهانی و نیز افشای ماهیت سلطه‌طلبانه و غیرانسانی و غیراخلاقی گفتمان غالب بر روابط بین‌الملل، بر ضرورت عرضه کالاهای عظیم فرهنگی و پیام‌های درخور توجه در تمدن اسلامی تأکید ورزیده است. انقلاب اسلامی ایران ضمن تأکید بر لزوم آگاهی از ابزارها و تکنیک‌های تبلیغی کارآمد و به‌روز، بر مخاطب‌شناسی برای موفقیت در عرصه تبلیغات و اهتمام به شناخت تازه از آموزه‌ها و فرهنگ‌های دیگر و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت در جهان چند فرهنگی امروز پای می‌فشد.

واقعیت آن است که در جهانی که همه از اطلاعات اشباع هستند، آنچه از اهمیت برخوردار است، اطلاعات نیست؛ بلکه توجه ماست و این توجه طبیعتاً به سمت اطلاعات معتبرتر جلب می‌شود. در این میان، در عصر اطلاعات بازیگری می‌تواند سردمدار دنیای سیاست باشد که در عرصه اعتمادسازی در دنیا پرچمدار باشد.

چرا که مشروعیت یک پیام، بخش مهمی از قدرت نرم آن را تشکیل می‌دهد و جذابیت آن به قدرت قطعی آن می‌افزاید. در این میدان، پیروزمند کسی است که دارای اعتبار است و بتواند با بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجهه‌ای مطلوب و مناسب، به انتقال درست پیام با تکیه بر ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، هنجاری و ارزشی و نهادی و عوامل زمینه‌ای چون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی مبادرت ورزد.

از این رو شایسته است وجود نرم‌افزاری قدرت بین‌المللی انقلاب اسلامی از جمله به چالش کشیدن فرهنگی غرب، گشایش جنبه ثالث در نظام بین‌الملل و پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی مورد مذاقه قرار گیرد. در ادامه به تشریح هر یک از این موارد پرداخته می‌شود:

• به چالش کشیدن فرهنگی غرب

انقلاب اسلامی ایران با هدف متحول‌سازی محیط بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم ساختن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی، توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود نظام سلطه را زیر سؤال برده و پیام سیاسی اندیشه استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و راهبرد نه شرقی نه غربی را برای جهانیان آشکار سازد. انقلاب اسلامی ایران نه تنها به چالش فکری و سیاسی با غرب مبادرت ورزید، بلکه توانست با اتکا به قدرت نرم‌افزاری خود و بازتعریف نسبت نوین از معنویت و سیاست، الگوی روش زندگی و مدل جدید اجتماعی جایگزین را نمایان سازد.

انقلاب اسلامی با اعطای خودباوری به ملت‌ها مبنی بر توان آنان برای مقابله با سلطه‌گری قدرت‌های یکه‌تاز و شکستن قدرت دروغین آن‌ها و دعوت ملت‌ها به خوداتکایی و پایداری در برابر سلطه‌جویی غرب، جریان ثالثی را در نظام بین‌المللی رقم زد و ضمن مقابله با نفوذ سیاسی و فرهنگی آنان، توانست مسلمانان را به عزت و افتخار خود آگاه سازد و با تکیه بر فرهنگ مستقل اسلامی، غرب را وادار به عقب‌نشینی در برابر قدرت اسلام نماید.

انقلاب اسلامی با پیشتازی در عرصه اندیشه‌ورزی و سیاست‌پردازی و آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی و ترویج گفتمان‌ها و آموزه‌های اسلام، توانست اهمیت جغرافیای فرهنگی جهان اسلام را آشکار سازد و اسلام را به‌عنوان یک شیوه زندگی و تمدن معنوی در عصر حاکمیت تمدن‌های مادی شرق و غرب معرفی نماید.

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب فکری و فرهنگی، تفکر و اندیشه سومی را در جهان مطرح کرد تا از این رهگذر اعضای ایدئولوژی‌های مادی لیبرالیسم و سوسیالیسم را به چالش کشد. انقلاب اسلامی با داعیه نظم جهانی اسلامی و با دامنه و برد جهانی، توانست خود را به‌عنوان یک نیروی سوم در معادلات جهانی عرضه کند و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تنها تجربه واقعی مردم‌سالاری دینی معرفی نماید. به منظور مقابله با تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی، امریکا به مقابله نرم‌افزاری با این انقلاب پرداخته است.

عملیات نرم‌افزاری از قبیل بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای برای جهت‌دهی به افکار عمومی جامعه بین‌الملل علیه ایران و سازماندهی ادراک نخبگان سیاسی و گروه‌های اجتماعی امریکایی در این چارچوب، در راستای سوق دادن فضای اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی امریکا در جهت مقابله با نخبگان سیاسی ایرانی سازماندهی شده است. امریکا با گسترش جدال نرم‌افزاری و مقابله‌گرایی هنجاری با ایران، سازماندهی انگاره‌سازی تهاجمی و الگوی تعارض بر امریکا با دامن زدن به اسلام‌هراسی از رهگذر پیوند دادن بنیادگرایی اسلامی با تروریسم، علیه رهبران سیاسی ایران به جنگ نرم مبادرت ورزیده است

مبنای قالب‌های رسانه‌ای، دامن زدن به اسلام‌هراسی از رهگذر پیوند دادن بنیادگرایی اسلام با تروریسم، به راه‌اندازی جنگ نرم علیه رهبران سیاسی ایران در راستای کاهش اعتماد جامعه بین‌الملل و تخریب چهره سیاسی و الگوی رفتاری نخبگان و مقامات اجرایی ایران مبادرت ورزیده است.

حمایت از نیروهای شورشگر و اعمال «جنگ کم‌شدت» علیه ایران همگی در راستای تخریب فضای سیاسی و نیز چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران سازماندهی شده است. امریکا با بهره‌گیری از موج «دیپلماسی عمومی» درصدد است به ایجاد تغییر در حس اعتماد مردم به نظام و دگرگونی در فرایندهای باورپذیری جامعه بپردازد.

بنابراین موج جدید مبتنی بر جلوه‌هایی از الگوهای رفتاری و خلق واژه‌های جدید به‌منظور بسترسازی برای تحقق انگاره‌سازی تهاجمی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده است؛ چرا که این انقلاب توانسته با ماهیت قدرت نرم‌افزاری خود شالوده فکری و هنجاری نظام سلطه را خدشه‌دار سازد.

• گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران براساس اصل «نه شرقی نه غربی» توانست علاوه بر شکستن اُبّهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام و راه ثالثی را به جهانیان عرضه کند که بر استقرار و اجرای عدالت، اجرای قوانین و مقررات الهی، تکیه بر آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، تأمین حقوق همه‌جانبه مستضعفان، نفی استعمار و سلطه خارجی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، قوت بخشیدن به قدرت اسلام و مسلمانان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تأکید می‌کرد.

انقلاب اسلامی با ایستادگی در برابر زورگویی‌های قدرت‌های شرق و غرب و مقابله با چپاولگران جهانی، حمایت از حرکت‌های ظلم‌ستیز و استقلال‌طلبانه، تکیه بر بیداری ملت‌ها و نجات آنان از دنیای سلطه، تشویق ملت‌ها به پیروی از معنویت و فرهنگ انسان‌ساز اسلام، نشان دادن قدرت و انرژی انقلابی اسلام به‌عنوان نیروبخش‌ترین و با قدرت‌ترین عامل تحرک و پویایی و زیر سؤال بردن هنجارهای نظام بین‌الملل، توانست روابط و معادلات سیاسی جهان را برهم زند و موجبات تحقق و بروز نظم جدیدی را در مناسبات بین‌المللی فراهم نماید.

افزون بر این، تکیه بر ارزش‌های انسانی و اسلامی نظیر عفاف، فداکاری، اخلاق، اخلاص و فرهنگ استقلالی به‌عنوان شالوده‌های فکری و سیاسی اندیشه «نه شرقی، نه

غربی» در انقلاب اسلامی، دستاوردی جهانی برای کلیه مسلمانان و مستضعفان جهان و تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب محسوب می‌گردید.

بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران توانست عملاً قدرت و قطب‌سومی را در جهان ایجاد کند. بروز قطب و قدرت سوم در عرصه جهانی به دلیل عدم وابستگی به قطب‌های پذیرفته شده جهانی ناشی از اعتقادات دینی، ایمانی و اسلامی و حمایت و پشتیبانی گسترده مستضعفان جهان از آرمان‌های انقلاب بود که توانست نظم تحمیلی مبتنی بر سرمایه‌داری و کمونیسم را بشکند.

انقلاب اسلامی با گشایش این جبهه ثالث، توانست در جهت صدور پیام انقلاب در ابعاد سیاسی و معنوی تلاش نماید که این مهم ناشی از تقویت وحدت جهان اسلام در عرصه بین‌الملل، تحکیم هویت تمدن اسلامی باتوجه به محصور نبودن در قلمروی جغرافیایی خاص، مخاطب قرار دادن مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان و بهره‌گیری از جاذبه قدرتمند پیام استقلال‌طلبانه آن بود. انقلاب اسلامی باتوجه به ماهیت نه شرقی نه غربی خود توانست ابعاد صدور پیام جهانی انقلاب را با تکیه بر معنویت، استقلال، عدالت و آزادی گسترده‌تر سازد و الگویی ثالث را فرا راه تمامی کشورهای جهان سومی و اسلامی قرار دهد.

از این‌رو، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر اهمیت قدرت نرم‌افزاری توانست قواعد و هنجارهای بین‌المللی را زیر سؤال ببرد و نگرشی ثالث در ساختار نظام بین‌الملل را به ارمغان آورد که بر نفی سلطه و استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان در روابط بین‌الملل استوار باشد.

انقلاب اسلامی با تغییر معادلات قدرت در سطح جهانی و با اطلاع‌رسانی پیرامون توان اسلام در احیای مناسبات سیاسی و اجتماعی، توانست جهان اسلام را از حاشیه به متن بکشاند و با آگاهی‌بخشی به افکار عمومی جهانی در مورد نظام سلطه، به متحول‌سازی محیط بین‌المللی مبادرت ورزد و از این رهگذر تعادل قدرت در عرصه بین‌الملل را به نفع کشورهای غیرمتعهد و جهان سومی رقم زند.



• پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی

انقلاب اسلامی ایران با تبیین اندیشه تحول‌برمبنای معنویت و اسلام و احیای دین در سطح جهان توانست ضمن به چالش کشیدن مکاتب مادی و ضد ارزش ساختن سلطه‌گری قدرت‌های جهانی، به دگرگون‌سازی معادلات سیاسی بین‌الملل مبادرت ورزد. این رستاخیز فرهنگی که بر همگرایی اسلامی و پی‌ریزی قطب جهانی دنیای اسلام تأکید می‌ورزید، توانست پرچمداری مبارزه با تهاجم فرهنگی شرق و غرب را به عهده گیرد و با ارائه تصویری جدید از دین به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، آمال، اعمال و احساسات حول مفهوم حقیقت‌نمایی سامان یافته که با ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیوند و نسبت مداوم دارد، به بازسازی تمدن اسلامی همت گمارد و انقلاب اسلامی توانست ضمن اهتمام به صدور پیام انقلاب، از قدرت نرم‌افزاری اندیشه به‌عنوان بستری برای تعامل پویا و تبادل سازنده استفاده نماید و بدین‌ترتیب زمینه‌ساز تحقق انقلاب فرهنگی جهانی گردد.

انقلاب اسلامی با ارائه تصویری کارآمد از دین به‌عنوان پدیده‌ای معنوی، ملموس و پویا و محتوی عبادات، معاملات و سیاسیات و در تعامل با مقوله‌های حق، اقتدار و تکلیف، توانست نقش آموزه‌ها و اعتقادات دینی را به‌عنوان منبع معرفتی و راهنمای زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به منصفه ظهور رساند و توان دین را به‌عنوان پرچم معنوی مبارزه برای رفع استیلا بیگانگان فرا روی بشریت قرار دهد و با شاخصه دین‌باوری و آرمان‌خواهی، دین را به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی و عنصری فرهنگی معرفی نماید.

رشد گفتمان دینی در پی بازخوانی تفکر دینی از سوی انقلاب اسلامی براساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت، موجبات بسط و گسترش کمی و کیفی هنجارهای دینی و ارتقای روند فکری جوامع مسلمان متناسب با تحولات ابزاری و تکنولوژی مدرن گردید.

انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم ارتقای توسعه و کارایی عناصر درونی و بومی جوامع اسلامی و ضرورت سازگاری و انطباق پویای آن‌ها با تحولات جهانی و متناسب با

مقتضیات زمان، توانست دیدگاهی منطقی و آگاهانه نسبت به واقعیات اعتقادی و تحولات اجتماعی ارائه دهد و با تکامل بخشیدن به مبادی فکری براساس نگرش‌های عقلانی، بین نسل جدید و سنت‌های گذشته پیوند برقرار سازد.

از دیگر دلایل پرچمداری انقلاب اسلامی در انقلاب فرهنگی جهانی، ترویج روحیه استقلال‌طلبی در میان مستضعفان بوده است.

انقلاب اسلامی با نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، تکیه بر اسلام‌گرایی و معنویت باوری، تأکید بر ضرورت احقاق حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، برهم‌زدن هنجارهای سلطه‌جویانه بین‌الملل و خدشه‌دار کردن معادلات سیاسی و امنیتی قدرت‌های بزرگ، توانست جایگاه واقعی سیاست غیرمتعهد را براساس عزت اسلامی و افتخار جهانی بازنمایاند و استقلال عمل و نظر خود را در تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و اجرای سیاست بین‌الملل به منصف ظهور رساند (برداشت از دهشیری، ۱۳۸۸).

#### ۶/ب. آسیب‌شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم در انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران گرچه توانست جایگاه و اهمیت قدرت نرم را با توجه به نقش فرهنگ و معنویت تبیین نماید، لیکن باید از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه خودداری ورزد؛ چرا که توجه به نقش قدرت نرم بدون توجه به مقتضیات زمینه‌ای و محیطی آن موجب آرمان‌گرایی محض می‌شود و نیز غفلت از اهمیت قدرت نرم‌افزاری به‌عنوان ظرفیت و پتانسیل عمده انقلاب اسلامی موجبات انفعال و وادادگی را فراهم می‌آورد. از این رو شایسته است متناسب با تحرک و رشد و پیشرفت جامعه بشری و با آینده‌نگری درخصوص فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، به نوآوری و خلاقیت در زمینه سیاست‌های فرهنگی اهتمام ورزد. در این راستا، شایسته است نخست به آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی که ناظر بر ارتقای نقش و جایگاه قدرت نرم است، پرداخته شود و سپس راهکارهای تقویت و گسترش توان بهره‌گیری از قدرت نرم مورد مذاقه قرار گیرد.

در زمره آسیب‌های سیاست فرهنگی به‌عنوان خط‌مشی نرم‌افزاری نظام مردم‌سالار دینی، می‌توان به موارد زیر به‌عنوان موانع فرا روی تحقق قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی اشاره کرد:

- عدم برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه نگر؛
- عدم تحقق بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی؛
- سیاست‌های تدافعی، سلبی، سلیقه‌ای، سطحی، ظاهرگرا، بی‌ثبات و شتاب‌زده به‌جای سیاست‌های تعاملی و پویا؛
- سیاست‌زدگی فرهنگی یا استیلای سیاست بر فرهنگ به‌جای تعامل و همگونی بین چهار حوزه سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، براساس نگرش پارسونزی؛
- آمیختگی فرهنگ با ملاحظات امنیتی به‌گونه‌ای که با خرده‌فرهنگ‌های قومی و میکرو ناسیونالیسم برخورد سخت‌افزاری صورت می‌پذیرد، بدون اینکه آستانه امنیت، فراتر تلقی شود و همچنین بروز هر ناهنجاری به‌عنوان مقوله‌ای ضدامنیتی قلمداد می‌شود؛
- افراط و تفریط در سیاست‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی؛
- تمرکز فعالیت‌های فرهنگی در دست دولت به‌جای واگذاری بخش فرهنگی به نهادهای جامعه؛
- دخیل‌بودن مراکز، نهادها و وزارتخانه‌های مختلف در سیاست‌های فرهنگی کشور؛
- نامشخص بودن کارویژه‌ای نرم‌افزاری در سیاست؛
- عدم تناسب بین سیاست‌های اعلامی و اعمالی به‌دلیل عدم محاسبه ظرفیت‌ها؛
- حاکمیت نگرش کمی به مقوله‌های فرهنگی؛

- حاکمیت دیدگاه لیبرالیستی در حوزه معرفت‌شناسی اسلامی با عناوینی چون پست مدرنیسم، باتوجه به سیاست‌های نرم‌افزاری قدرت‌های بزرگ که با ابزارهای ماهواره‌ای و فناوری‌های ارتباطی درصدد تحمیل شیوه زندگی غربی به جوامع درحال توسعه هستند و نیز باتوجه به برنامه‌ریزی قدرت‌های فرا منطقه‌ای برای فروپاشی اجتماعی از رهگذر اندلسیزه‌کردن فرهنگ ملی و استحاله هویت ملی؛
- ناهماهنگی بین سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست فرهنگی؛
- آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از فقر، فساد و تبعیض که منجر به بی‌ثباتی و ضعف فرهنگی می‌گردد؛
- انفعال و خودباختگی روشنفکران سکولار و غرب‌زده نسبت به فرهنگ غربی و غفلت آنان از تهاجم فرهنگی از بیرون و درون کشور؛
- فقدان برنامه‌ریزی در نظام آموزشی کشور؛
- عدم نظارت عمومی و ملی یا سازمانی به‌صورت واقع‌بینانه و هماهنگ بر روند اجرای مأموریت‌های فرهنگی؛
- افزایش تبلیغات رسانه‌های غربی علیه اسلام؛
- برداشت‌های غلط و یک‌سویه از فرهنگ برمبنای تلقیات شخصی و گروهی (همان).

۷/ب. راهکارهای تقویت و گسترش توان بهره‌گیری از قدرت نرم در انقلاب

#### اسلامی

به نظر می‌رسد بهترین راه ارتقای توان بهره‌گیری از قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی، اهتمام به اصلاح مدیریت فرهنگی در کشور باشد. این مدیریت باید دارای ویژگی‌هایی از قبیل: طراحی برای پیشبرد سیاست‌های فرهنگی، اجرایی کردن سیاست‌های فرهنگی به‌صورت صریح و روشن، هماهنگی و سازگاری بین سیاست‌های فرهنگی در

سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز بین سطوح دولتی، غیردولتی یا شبه‌دولتی نهادهای اجتماعی و فرهنگی باشد. افزون بر این، مدیریت‌های فرهنگی باید از ویژگی‌های مطلوب در حوزه تمایلات و گرایش‌ها، اندیشه‌ها و آگاهی‌ها، رفتارها و کارکردها، بینش‌ها و نگرش‌ها برخوردار باشد. در این زمینه می‌توان به برخی راهکارها برای ارتقای سیاست فرهنگی کشور و توان نرم‌افزاری انقلاب اسلامی اشاره کرد:

- هماهنگی میان سیاست‌های فرهنگی بخش دولتی و غیردولتی، سازگاری، هماهنگی و هم‌سویی بین سیاست‌های فرهنگی در سطوح مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای، تطابق سیاست‌های اعلامی با سیاست‌های اعمالی در عرصه فرهنگی و تطبیق ساختارهای اجتماعی با هدف‌ها و سیاست‌های فرهنگی؛
- مشخص کردن ضوابط و قوانین حاکم بر سیاست‌های فرهنگی، صراحت و روشنی در سیاست‌های فرهنگی، کارآمدسازی ساختار و تشکیلات فرهنگی، ارتقای تعامل سازمند میان کارکنان درون سازمانی و برون سازمانی دستگاه‌های فرهنگی و به‌طورکلی اصلاح ساختار و کارکرد بخش‌های فرهنگی کشور؛
- ایجاد انگیزه و تشویق فعالیت‌های فرهنگی در ابعاد اجتماعی، راهبردی، مالی و رسانه‌ای به‌منظور زمینه‌سازی برای بروز ابتکارات، نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و سیاست‌های نوین فرهنگی؛
- برنامه‌ریزی جامع و فرابخشی و طراحی فرهنگی با درنظر گرفتن اصول ارزشی، امکانات و تسهیلات و ابزارهای موجود و اراده مردم و نخبگان و نیز تدوین سیاست‌های فرهنگی جامع، صریح، روشن و هدفمند براساس ملاحظات فرهنگی جامعه داخلی و بین‌المللی، به دور از استیلای سیاست بر فرهنگ ملی و به‌طور کلی نهادینه‌سازی نگاه راهبردی مسئولان کشور به اولویت برنامه‌های فرهنگی؛

- ایجاد وفاق بین نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی به منظور برقراری وحدت و ثبات سیاسی و فکری در جامعه و سرمایه‌گذاری در ایجاد و گسترش مشارکت جمعی براساس تقویت ارزش‌های مشترک فرهنگی و نیز توزیع گسترده برخی مفاهیم و واژه‌های فرهنگی و مفهوم‌سازی ارزشی؛
- تقویت آموزش درجهت ترویج و گسترش فرهنگ عمومی کمال‌جویی، علم‌طلبی، صداقت و سلامت و ارتقای آگاهی‌های مدیران و کارکنان نهادهای فرهنگی به منظور تحقق ابرسیستم ملی فرهنگی و آموزشی در راستای ترجیح منافع ملی بر منافع فردی و جناحی، جامعه‌پذیری ارزشی و تقویت استقلال فرهنگی و فرهنگ استقلالی؛
- ترجیح کیفیت و اصالت دادن به آن، باتوجه به میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی و شناخت ابعاد آگاهی‌بخشی و اندیشه‌ورزی در سیاست‌های فرهنگی، به منظور بسترسازی برای تسهیل و تقویت امور برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی متنوع و تکثر و افزایش تحرک و اجتهاد فرهنگی؛
- گسترش میزان تبادل فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی درجهت افزایش تحرک فرهنگی اجتماعی و اعتلای روحیه تحقیق و ابتکار و ارتقای دانش و آگاهی عمومی براساس مبادله و مرابطه فرهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی؛
- هماهنگ‌سازی بین سیاست‌های دارای فصل مشترک و روابط متقابل آشکار؛
- همبستگی نزدیک بین سیاست فرهنگی و توسعه ملی، آموزش و پرورش، نظام ارتباطات و اطلاع‌رسانی جمعی، ملاحظات زیست‌محیطی و نظام اداری و اجرایی کشور؛
- توجه به عوامل بروز دگرگونی‌ها و تغییرات فرهنگی شامل توسعه آموزش، تقویت نقش رسانه‌های جمعی، رشد جمعیت و شهرنشینی، آمایش

- سرزمینی، تغییرات ارزش فردی و جمعی، اصلاح نظام بروکراسی و افزایش سهولت دستیابی به وسایل ارتباطی بین‌المللی؛
- اهتمام به مدیریت متنوع، منعطف، پویا، شبکه‌ای، چند بخشی، میان رشته‌ای، مشارکت‌گرا، کارآمد، برنامه‌ریز، خلاق و با ثبات رأی؛
  - محوریت قانون و قانون‌گرایی در تمامی کنش‌های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و منزلت و کرامت انسانی و حیثیت اجتماعی و پرهیز از بروز بحران‌ها و تنش‌های قومی؛
  - بها دادن به توسعه فرهنگی و تنوع‌یافتگی با اهتمام به نقش نهادهای واسط اجتماعی و فرهنگی و نهادینه‌شدن مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکتی به‌عنوان سرمایه اجتماعی؛
  - اتخاذ سیاست‌های متعادل و متوازن به‌گونه‌ای که بین هویت اسلامی و هویت ایرانی، بین امنیت و آزادی و بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تلائم برقرار شود و امکان ارائه جامعه‌ای الگو، الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام فراهم آید؛
  - طراحی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری فرهنگی براساس قواعد وسع و تدرج، تفکیک اصول از فروع، تقدم و اولویت‌بخشی به عناصر دینی و ارزشی، توجه به ظرفیت‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و امکانات و ابزارهای فرهنگی و ارزشی و بسترسازی برای سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگی به‌گونه‌ای که بخش فرهنگ نه تحت استیلای سیاست که در پیوند و ارتباط مداوم و مستمر با آن، به‌عنوان حوزه‌ای مستقل باشد؛
  - ترویج و تحکیم آموزه‌های مکتب اسلام و اندیشه حضرت امام در باور و عمل مسئولان و آحاد جامعه، بسیج دستگاه‌های تعلیم و تربیت کشور و تحرک جدی و تلاش عمیق و هماهنگ آنان در جهت گسترش ارزش‌های و هنجارهای بومی و تقویت فرهنگ بسیجی شامل فرهنگ ایثار، شجاعت،

عزت نفس، تواضع، اخلاص، تسلیم و بندگی در برابر خدا، غیرت و حیا، حق‌مداری و مسئولیت‌پذیری؛

- تحرک فعال نهادهای فکری، آموزشی، تبلیغاتی و فرهنگی در جهت ارتقای قدرت نرم‌افزاری ایران از رهگذر تصویرسازی مثبت رسانه‌ای، تحرک سازمان‌یافته نرم‌افزاری، نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی و تقویت جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های فردی و اجتماعی؛

- تلاش مسئولان و مدیران سیاسی و فرهنگی در جهت ارتقای بنیادهای فکری و رفتاری و ایجاد و تقویت روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و استقلال‌خواهی و سرمایه‌گذاری اجتماعی در جهت تحکیم و حفظ عصمت، سلامت نفس و عفت عمومی و سالم‌سازی فضای عمومی و فرهنگی جامعه در جهت رشد و ترویج فضائل اخلاقی و انسانی در جامعه و پرورش روحی و معنوی سرمایه‌های انسانی در کشور و به‌طورکلی تقویت فرهنگ شعور و فرا جمعی مشترک از طریق تأکید بر مشترکات فرهنگی به‌ویژه اسطوره‌های ادبی، فرهنگی، علمی و سیاسی در حوزه تمدنی ایران و اسلام؛

- اتخاذ راهبرد تبیینی، پویا، کیفی، شفاف و آگاهی‌بخش، ایجاد موج فرهنگی با ابداع واژه‌های فرهنگی و استفاده از ادبیات و واژگان مناسب، نو و روزآمد، اندیشه‌ورزی و مفهوم‌سازی و زایش اندیشه براساس زمان آگاهی در عرصه شناخت و زمان‌بندی در عرصه ملل و آفرینندگی و جهت‌دهندگی فرصت، توجه به افکار عمومی براساس تبلیغات صحیح و تصویرسازی مناسب؛

- توجه به دیپلماسی غیردولتی در عرصه فرهنگ، تبلیغات، اطلاعات و ارتباطات و بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و فرهنگی از طریق تقویت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به‌منظور تجدیدنظر در نحوه بیان مواضع براساس اصول تدرج و وسع و ساده‌زیستی مفاهیم و واژه‌های ثقیل برای درک پیام‌های انقلاب اسلامی توسط دیگران و تلاش برای انتقال مفاهیم



به صورت زیبا و جذاب در راستای ارتقای توان تغییر در ذهنیت دیگر بازیگران و تلاش برای زدودن چهره افراطی‌گری از اسلام و خرافه‌زدایی از دین (دهشیری، ۱۳۸۸).

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با عنایت به آنچه گذشت، مشخص گردید که انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی توانست ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصف ظهور رساند. در واقع، انقلاب اسلامی با حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش، توانست به احیای مجدد عظمت و شکوه تمدن اسلامی در عرصه بین‌الملل همت گمارد. انقلاب اسلامی توانست به‌عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی در جهان نوین و با تبیین پیام وحدت و قدرت جهان اسلام چهره حقیقی قدرت نرم‌افزاری خود را بر جهانیان نمایاند، با پیام معنوی و اخلاقی خود به‌عنوان انقلابی نیرومند تمامی معادلات جهانی را درهم شکند و با گشودن جبهه‌ای ثالث در نظام بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، نظم نوین نرم‌افزاری را در روابط بین‌الملل رقم بزند. بنابراین در رویارویی و مقابله اساسی با جنگ نرم می‌بایست:

- جنگ نرم را باور کرد و دامنه شناخت آن را افزایش داد: دشمن‌شناسی، شناخت طرح‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های اعمال دشمنی آنان با نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- علاوه بر هوشیاری تکنیک‌های جنگ نرم، شناسایی و توسط خواص به عموم مردم معرفی گردند؛
- اعتماد به خودباوری و افزایش قدرت نرم در بین مردم افزایش یابد؛
- نمادهای ملی و دینی بازشناسایی و تقویت گردند؛

- توجه به مهندسی فرهنگی: هماهنگی بین سازمان‌های فرهنگی و ایجاد سامانه‌ای کارآمد برای توانمندسازی مدیران به‌وجود آید؛
- قابلیت‌های رسانه‌های صوتی، تصویری، چند رسانه‌ای ارتقا و توسعه یابد؛
- ایمان و وحدت مردم، بیش از گذشته تقویت گردد؛
- ارتباط معنوی و ظاهری نسل سوم و نسل‌های اول و دوم انقلاب مورد توجه جدی قرار گیرد؛
- برای تثبیت و ترقی ارزش‌های اسلامی و انقلابی، بیش از گذشته سرمایه‌گذاری گردد؛
- نسبت به گسترش و انتشار ارزش‌ها در خارج از مرزهای کشور، اقدامات و برنامه‌ریزی‌های مدون و گسترده‌ای در نظر گرفته شود.

## منابع

- «قرآن کریم».
- ابراهیمی، علی (۱۳۹۱)، «نبرد نرم یا استعمار الکترونیکی»، دوماهنامه تخصصی حفاظت، شماره ۳۳.
- انصاری، محمدمهدی (۱۳۸۶)، «جنگ نرم امریکا علیه ایران، چیستی و چرایی»، سایت بانک اطلاعات نشریات ایران.
- تهرانی، قاسم (۱۳۸۸)، «مجموعه سخنرانی‌های بصیرت ۱ و ۲».
- جمعی از مؤلفان (۱۳۹۰)، «دانستنی‌های سیاسی ویژه جنگ نرم، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا».
- دافرتی، ویلیام (۱۳۷۷)، «جنگ روانی، تبلیغات و جنگ روانی»، ترجمه حسین حسینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل.
- راسخی، افشین (۱۳۹۰)، «جنگ نرم و مؤلفه‌های اصلی آن»، نشریه معاونت حفاظت و پیشگیری ساحفاناجا (حفیظ)، سال چهارم، شماره ۱۵.
- سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۳)، «عملیاتی‌سازی عملیات روانی»، فصلنامه عملیات روانی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۱)، «مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای.
- سلطانی‌فر، محمد، هاشمی، شهناز (۱۳۸۲)، «پوشش خبری»، تهران: سیمای شرق.
- شیرازی، محمد (۱۳۷۶)، «جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها»، انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- فهیمی‌راد، حمید، (۱۳۸۸)، «تهدید نرم، حربه نرم‌افزاری نوین»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، سال چهارم، شماره ۱۱.

- قربانی گلشن‌آبادی، محمد (۱۳۸۸)، «تبیین مفهومی، پیشینه تاریخی و تاکتیک‌های جنگ نرم»، روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۸۸/۸/۳.
- کالینز، جان.ام (۱۳۷۰)، «استراتژی بزرگ، اصول و رویه‌ها»، ترجمه کوروش بالیندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- گفت‌وگوی پژوهشگر مؤسسه رند با کارکنان کمیسیون ایالات متحده در زمینه آزادی مذهبی در سطح بین‌المللی، واشنگتن دی.سی. نوامبر ۲۰۰۵.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶)، «راهکارهای امریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- معاونت آموزش ناجا (۱۳۸۹)، «جنگ نرم و پلیس»، تهران.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، «قدرت نرم»، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- نصر، صلاح (۱۳۸۰)، «جنگ روانی»، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، چاپ دوم، تهران: سروش.

▪ [www.maghran.com](http://www.maghran.com)